

اختصاصی کنکور ارشد معماری



آموزش زبان تخصصی معماری

جزوه آموزش ارشد معماری مهندس خرسند

www.Shop.FarsiCad.com





فهرست

آبادی تخصصی معماری	آجر
۴	آحاد
۴	آسانسور
۵	اتاق
۶	اجرا
۱۰	استحکامات
۱۰	الکتریسیته
۱۲	اندود
۱۴	انرژی خورشیدی
۱۶	بار
۱۷	بام
۲۲	بتن
۲۷	بتن مسلح
۳۰	بست افزار
۳۱	بنایی
۳۴	پلاستیک
۳۵	پله
۳۷	پنجره
۳۸	پوسته
۳۹	پی
۴۱	طاق
۴۲	تیر
۴۳	چوب
۴۶	حرارت
۴۹	خاک

www.MEMARICO.com



NAGHSH-NEGAR.IR

مرجع معماری و عمران

- ۵۱.....خانه
- ۵۱.....خریا
- ۵۲.....در
- ۵۳.....دیوار
- ۵۵.....رنگ
- ۵۶.....رنگ آمیزی ساختمانی
- ۵۷.....روشنایی
- ۵۹.....ساختمان
- ۶۱.....سازه
- ۶۴.....ستون
- ۶۵.....سرامیک
- ۶۶.....سقف
- ۶۷.....سنگ
- ۶۹.....سیستم آتش بادی
- ۷۰.....شیشه
- ۷۰.....صفحه
- ۷۲.....صوت
- ۷۳.....طراحی
- ۷۷.....عایقکاری رطوبتی
- ۷۹.....غشا
- ۸۰.....فلز
- ۸۴.....قاب ساختمانی
- ۸۵.....قوس
- ۸۶.....کف
- ۸۷.....گنبد
- ۸۸.....لوله کشی
- ۹۳.....معبد



NAGHSH-NEGAR.IR

مرجع معمار و عمران

- ۹۳.....نچاری ساختمانی
- ۹۴.....نقشه برداری
- ۹۵.....نیرو
- ۹۶.....هندسه
- ۱۰۰.....یراق آلات

آکادمی تخصصی معماری

آکادمی
تخصصی
معماری



NAGHSH-NEGAR.IR

مرجع معمار و عمران

آجر

آجر (Brick): نوعی واحد بنایی از جنس رس.

آجر زبره (common brick): آجری که برای امور عمومی ساختمان ساخته شده و به طور خاص از نظر بافت و رنگ روی آن کار نشده است.

آجر تما (facing brick): آجر ساخته شده از رس مخصوص برای دیوارهای نما که اغلب به منظور ایجاد رنگ بافت سطحی مطلوب روی آن کار شده است.

درجه بندی آجر (Brick grade): عنوان نشان دهنده دوام یک قطعه آجر.

جذب آب (Absorption): وزن آب جذب شده توسط یک واحد بنایی رسی، هنگام غوطه ور شدن در آب سرد یا جوشان در مدتی مشخص.

مکش (Suction): وزن آب جذب شده توسط یک واحد بنایی رسی، هنگام غوطه ور شدن در آب سرد یا جوشان در مدت یک دقیقه.

شوره یا سفیدک (Efflorescence): پودری سفید حاصل شسته شدن نمک های حلال در بین مصالح و تبلور آنها.

کوره (Kiln): اجاق مخصوص پختن یا خشک کردن.

پسی زده (Cull): آجر یا الوار پسی زده به خاطر کیفیت نا مطلوب.

آجر نسوز (Firebrick): آجر ساخته شده از رس نسوز و مورد استفاده برای پوشش داخلی کوره و اجاق.

دیر گذار (Refractory): ماده ای با قابلیت حفظ شکل فیزیکی و مشخصات شیمیایی خود هنگام قرار گرفتن در معرض دماهای خیلی زیاد.

آجر جوش (Clinker): نوعی آجر متراکم و سخت پخت که به طور خاص برای کف فرش کردن مورد استفاده قرار می گیرد.

آجر غیر استاندارد (Jumbo brick): هر یک از انواع مختلف آجرهای بزرگتر از حد معمول.



آجر نیم لایه (Soap): کاشی یا آجری که ابعاد نمای آن معمولی و ضخامت آن نصف ضخامت استاندارد باشد.



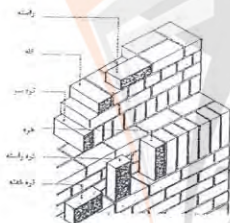
آجری سر (Bat): نوعی آجر که به طور عرضی شکسته شده تا یک طرف خود را به کلی از دست دهد.

آجر سایبی (Gauge): تراشیدن یا ساییدن سنگ ها یا آجر ها برای رسیدن به یک شکل یا اندازه معین.

راسته (Stretcher): آجر یا هر واحد بنایی دیگر، که در دیوار به صورت افقی قرار می گیرد به نحوی که وجه باریک درازتر آن نمایان و یا موازی با سطح دیوار است.

کله (Header): آجر یا هر واحد بنایی دیگر، که در دیوار به صورت افقی قرار می گیرد به نحوی که وجه باریک کوتاه تر، نمایان و یا موازی با سطح دیوار است.

نره سر (Rowlock): آجری که روی لبه ی درازترش قرار می گیرد به نحوی که وجه باریک کوتاه تر آن نمایان است. [معادل دیگر آن می تواند آجر کله ی ایستاده باشد.]



هره (Soldier): آجری که به صورت قائم قرار گرفته، به نحوی که وجه باریک درازتر آن نمایان باشد.

نره راسته (Sailor): آجری که به صورت قائم قرار گرفته به نحوی که وجه عرضی آن نمایان است.

نره خفته (Shiner): آجری که به صورت افقی روی وجه باریک درازتر خود ایستاده، به نحوی که وجه عرضی آن نمایان است. [معادل دیگر آن می تواند آجر راسته ی ایستاده باشد.]

آجر کاری (Brickwork): ساختمان سازی با آجر و یا به عبارت بهتر، هنر پیوند دادن موثر آجر ها به هم.

آجر چینی (Bond): هر یک از انواع مختلفه چین واحد های بنایی با طرحی منظم، قابل تشخیص و معمولاً هم پوشان- به منظور افزایش مقاومت و بهبود ظاهر ساختمان [این کلمه در مورد چین هر نوع واحد بنایی به کار می رود] ولی در این قسمت منظور اصلی آجر است.



راسته چینی (Running bond): نوعی پیوند در آجر کاری یا هر نوع مصالح دیگر؛ متشکل از راسته های هم پوشان [معادل دیگر آن پیوند راسته است].



ته بند (Closer): یک واحد بنایی که برای تمام کردن یک رج یا کامل کردن پیوند در گوشه ی یک دیوار، شکسته یا شکل داده می شود [رج بند هم معادل رایجی برای آن است].



آجر قلمدانی (Queen closer): آجر [شکسته ای] با عرضی مساوی با نصف عرض معمول؛ مورد استفاده برای کامل کردن یک رج یا فاصله انداختن بین آجرهای درسته.

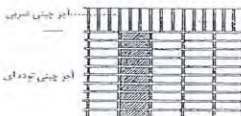


آجر چینی کله راسته (Flemish bond): نوعی آجر چینی با کله و راسته های یک در میان در یک رج که هر کله

در بالا و پایین یک راسته متعکز شده است.



آجر کلاغ پر (King closer): یک آجر سه چارگی (سه چهارم یک آجر) برای تمام کردن یک رج یا فاصله انداختن بین آجرهای درسته.



آجر چینی شربری (Soldier bond): یک رج ممتد از هره ها در یک کار آجری.

آجر چینی توده ای (Stack bond): نوعی پیوند در کار با آجر یا هر نوع مصالح دیگر، دارای رج های متوالی از آجر های راسته که کلیه بند های قائم آن ها به صورت قائم در یک امتداد قرار گرفته است [معادل دیگر آن، آجر چینی ردیف چین است].

آحاد

واحد اندازه گیری (Measure): واحد یا معیاری برای اندازه گیری؛ مورد استفاده در تعیین ابعاد، کمیت یا ظرفیت چیزی.

طول (Length): گستره ی هر چیز، که در راستای بزرگترین بعدش اندازه گیری شده است.

واحد مربعی (Square measure): واحد یا سیستم آحادی برای اندازه گیری سطح؛ مبتنی بر آحاد سیستم های خطی.

سطح (Area): اندازه ی کمی از یک صفحه یا سطح خمیده.

حجم (Volume): اندازه یا گستره یک شی سه بعدی یا بخشی از فضا، که در سیستم واحدهای مکعبی، اندازه گیری می شود.

جدول تبدیل (Conversion table): ترتیبی جدولی شده از مقادیر معادل واحدهای اوزانی و مقادیر سیستم های مختلف.

جرم (Mass): معیاری برای اختی یک جسم با میزان مصالح موجود در آن.

وزن (Weight): نیروی ثقلی وارد بر یک جسم از طرف زمین.

فشار (Pressure): نیروی وارد بر یک سطح، که به صورت نیرو بر واحد سطح اندازه گیری می شود.

آسانسور

آسانسور (Elevator): سکو یا اتاقکی متحرک؛ مخصوص جابجایی افراد یا بارها از ترازوی در یک ساختمان تا ترازوی دیگر. اصطلاح انگلیسی معادل آن Lift است.

آسانسور نفربر (Passenger elevator): آسانسوری متحصراً برای حمل نفرات. آسان برهم تأمیده می شود.

آسانسور باربر (Freight elevator): آسانسوری برای حمل کالاهای سنگین.

آسانسور پرک (dumbwaiter): آسانسور کوچک حمل غذا، ظروف و ... در بین طبقات یک ساختمان.

آسانسور چند قلو (bank): ردیفی از آسانسورها در یک ساختمان بلند مرتبه؛ که توسط یک سیستم مشترک کنترل می شود و تنها به یک دکمه درخواست، پاسخ می دهد.

آسانسور برقی (Traction elevator): نوعی سیستم آسانسور، مشکل از یک واگن سوار شده روی ریل های هادی، و متکی بر کابل های بالای؛ که توسط ماشین آلات بالای برقی، جابجا می شود.

اتاقک آسانسور (Penthouse): ساختی در بالای بام یک ساختمان، که ماشین آلات آسانسور را محصور می کند.

چاه آسانسور (Hoistway): فضای قائم محصور برای حرکت یک یا چند آسانسور از میان آن.

ایستگاه (Landing): بخشی از یک کف در مجاورت چاه آسانسور، که برای سوار و پیاده کردن بار یا مسافر، مورد استفاده قرار می گیرد.

وزنه تعادل (Counter weight): وزنه ای که وزنه ی دیگر را به تعادل می رساند جهت متعادل سازی وزن اتاقک آسانسور.

ضربه گیر (Buffer): پیستون یا قتری برای گرفتن ضربه ی واگن آسانسور یا وزنه ی تعادل در حال پایین آمدن.

آسانسور پلکانی (Stair lift or Inclined lift): متدلی با سکوی سوار شده بر روی یک ریل برای بالا و پایین بردن افراد یا کالاها.

دکمه در خواست (Call button): دکمه فشاری برای فراخوانی واگن یک آسانسور.

پله برقی (Escalator or Moving stairway or Moving staircase): پلکان برقی برای جابجایی مسافر در بین طبقات مختلف.

پیاده روی متحرک (Moving sidewalk): سطح پیوسته متحرک کارکننده از استفاده از نیروی برق.

متسافربر (People move): هر یک از شکل های متنوع حمل و نقل در دور فرودگاه یا مناطق شهری پر جمعیت.

اتاق

اتاق (Room): بخشی از فضا در یک ساختمان.

WWW.MEMARICO.COM



راهرو (Hallway): کوریور یا دالانی در یک خانه، هتل یا بناهای دیگر.

کوریور (Corridor): راهروی باریک، یا دالانی که بخش‌های مختلف یک ساختمان را به هم متصل می‌کند.

دهلیز ورودی (Vestibule): حال ورودی کوچک در خارجی و فضای ورودی یک خانه-قضای مکث.

پناهگاه (Refuge): مکانی که پناه، ایمنی یا حفاظتی در برابر خطر یا ترس باشد.

خلوتگاه (Repose): مکانی برای استراحت و آرامش.

تسویه (Ambiance): شرایط آب و هوایی.

منظره (Outlook): دیدی از یک مکان خاص، یا مکانی که یک منظر را ارائه می‌دهد.

نما (Prospect): منظره‌ای از روی موقعیت خاص یا در یک جهت خاص.

لبه (Edge): خط یا بخش باریکی که از یک فضا شروع شده یا بر آن ختم می‌شود.

آستانه (Threshold): مکان یا نقطه‌ای برای ورود یا شروع.

مسیر (Path): مدار یا ابتدایی که حرکت، در راستای آن صورت می‌گیرد.

اجرا

اجرا-ساخت و ساز (Constraction): هنر، دانش یا حرفه‌ی ساختمان‌سازی.

کارفرما (Owner): شخص یا ارگان دارای حق قانونی نسبت به یک قطعه مالکیت.

سرمایه‌گذار (Developer): شخص یا ارگانی که برای پروژه‌ای خاص سرمایه‌گذاری می‌کند.

پساز بفروش (Speculative builder): شخص یا سازمانی که ساختمانهایی را برای فروش یا اجاره پیمانی احداث می‌کند.

پیمانکار-مقاطعه کار (Contractor): شخص یا سازمانی که در پروژه های ساختمانی برای تهیه مصالح و انجام کاری در زمانی معین با کارفرما قرارداد می بندد.

معماری (Architect): شخصی که به حرقه معماری مشغول است.

مدیر طرح (Construction manager): شخص یا سازمانی که برای پیشنهاد و هماهنگی کلیه مراحل یک پروژه ی ساختمانی با کارفرما قرارداد می بندد.

روش طرح و ساخت (Design-Build): روشی که در آن شخص یا سازمانی برای طراحی و اجرا با کارفرما قرارداد می بندد.

روش کلید در دست (Turn-key): روشی که در آن شخص یا سازمانی برای فروش و یا اجاره دادن ساختمان "پس از آنکه برای استفاده کاملاً آماده شد" آن را طرح و اجرا می کند.

مشاور (Consultant): شخص یا سازمانی که جهت ارائه توصیه های حرقه ای یا تخصصی، راجع به پروژه با کارفرما قرارداد می بندد.

پیمانکار جز (Subcontractor): شخص یا سازمانی که برای انجام قسمتی از کارهای یک پروژه ساختمانی با پیمانکار کل قرارداد می بندد.

بیمه (Insurance): تضمین اموال، جان و اعضای بدن یک فرد در برابر شایستگی و زیان های ناشی از حوادث غیر متوقعه ی خاص.

عضو سازمان نظام مهندسی (registered-Licensed): مهندس یا معماری که در یک شغل یا حرقه توسط سازمان نظام مهندسی (در ایران) تایید شده باشد.

تضمین شده مالی (Bonded): کار تضمین شده که میلی به صورت ضمانتنامه بانکی یا وجه نقد توسط کارفرما از پیمانکار دریافت می گردد.

مطالعات امکان سنجی (Feasibility study): تحقیق و تجزیه و تحلیل مفصل: برای تعیین مناسب بودن یک پروژه ساختمانی پیشنهادی، از نظر فنی، مالی یا دیگر مسائل.

مناقضه (Bidding): فرایندی رقابتی، برای پیشنهاد انجام کار مذکور در قرارداد با میلی مشخص.

پذیرش مناقصه (Award): پذیرش رسمی یک مناقصه یا طرح.

قرارداد (Contract): توافق قانونی، نافذ، قابل اجرا و معمولاً مکتوب بین دو یا چند طرف؛ مبتنی بر انجام یا عدم انجام مواردی مشخص.

روش همزمانی طراحی و ساخت (Fast-track): روشی که در آن همزمانی طراحی و ساخت وجود دارد به نحوی که با اتمام مرحله از طراحی ساخت شروع شده و طراحی باقیمانده کار با ساخت بخش طراحی شده همزمان است.

پالاکاری (Top-out): نصب بالاترین عضو سازه ای در یک عملیات اجرایی، یا تکمیل بالاترین رنج در یک دیوار بتایی.

حائل موقت (Falsework): قاب بندی موقتی برای تکیه داری و تحمل وزن سازه ای که در حال ساخت بوده و قادر به تحمل وزن خود نیست.

چوب پست-داربست (scaffold or staging): زیرپایی یا سازه ای موقت برای تحمل وزن کارگران و مصالح در ارتفاعی بالای یک کف یا سطح زمین، در حین ساخت یا تعمیر.

ابلاغ شروع عملیات ساختمانی (Notice to proceed): ابلاغ کتبی از طرف کارفرما مبنی بر شروع عملیات پروژه.

پروانه ساختمان-مجوز ساخت (Building permit): اجازه نامه ای کتبی برای شروع و پیشبرد عملیات ساختمانی یک پروژه که یک موسسه دولتی، پس از پرونده سازی و بازبینی نقشه ها، صادر می کند.

مهندس ناظر (Building official): شخصی یا مجوز دولتی که از طرف مهندس مشاور در سایت پروژه عملیات ساختمانی را نظارت می کند.

اجرا-مسائل اجرایی (Construction): فرایند ساخت، از سایت آمایی و به دنبال آن سرهم کردن تا عملیات پایانی.

اجرا-قصرم ساختمانی (Construction): حالت و روش نظم دادن و سرهم کردن مصالح و ایجاد یک مجموعه، با ترکیب آنها با هم.

پربایی (Erect): بلند کردن و قرار دادن مصالح یا قطعات ساختمانی، و ایجاد ارتباطات های لازم بین آنها و محکم کردنشان در راستای یک کار اجرایی.



بایان کار (Certificate of occupancy): سند صادر شده از طرف مهندس ناظر مبنی بر تأیید کار انجام شده در تعلق با مشخصات.

برآورد حین استفاده (Postoccupancy evaluation): فرایند تشخیص جنبه های فنی، عملکردی و رفاری یک ساختمان تکمیل شده، برای جمع آوری اطلاعات به منظور برنامه ریزی های آتی.

روش دال آماده (Lift-slab construction): روشی که در آن دال های افقی در سطح زمین ریخته شده و پس از عمل آوری توسط چک های هیدرولیکی بلند شده و در محل اصلی خود قرار می گیرند.

پیش سازی (Prefabricate): پیش ساختن یا تولید کردن، به ویژه در مورد واحدها یا مولفه های مربوط به نصب و سرهم کنی سریع.

ساخت سرهمی (Fabricate): ساخت به طریق سرهم کردن قطعات گوناگون.

روش بلند کردن سازه (Tilt-up construction): روشی برای اجرای یک دیوار؛ به صورت بتن ریزی پائل های دیواری بتن آرمه در محل و به حالت افقی، و آنگاه کج کردن آنها تا رسیدن به محل اصلی خود.

اسناد پیمان (Document): اسناد و مدارک قانونی، نقشه های اجرایی و مشخصات فنی پروژه؛ شامل کلیه ضوابط، اصلاحات فنی و هر مورد دیگر که وجود آن در این اسناد صریحاً قید شده است.

اسناد اجرایی (Construction document): نقشه های اجرایی و مشخصات فنی صادر شده برای شرح و تفصیل ملزومات فنی اجرای یک پروژه.

مشخصات فنی (Specification): بخشی از اسناد پیمان، شامل شرحی مبسوط از طبیعت فنی مصالح، استانداردها و کیفیت اجرای کارهای تحت قرارداد.

آیین نامه ساختمانی (Building code): آیین نامه ای یک سازمان دولتی برای حمایت از بهداشت، آسایش و سلامت عمومی تنظیم و ابلاغ می کند و به موجب آن طرح، اجرا، تغییرات و ترمیم ساختمان ها را نظام می یخشد.

دستورالعمل قضابندی (Zoning ordinance): دستورالعمل تقسیم بندی یک قلمه زمین به بخش های مختلف.

پیمان مشروط (Restrictive convent): پیمانی با یک بند، که فعالیت هر گروه را به شرایط آن پیمان محدود می کند.

خلاف آیین نامه ای (Nonconforming): صفت اطلاق شده به مصالح، روش اجرا یا کاربری که با مقررات وضع شده توسط یک آیین نامه ی ساختمانی مطابقت ندارد.

ساختمان ضد آتش (Noncombustible construction): ساختمانی که سازه ی آن، فولادی، بتنی یا از جنس مصالح بتانی غیر مسلح است و دیوارها، کف ها و پام آن از مصالح غیر قابل احتراق است.

استحکامات

استحکامات (Fortification): بنای مستحکم نظامی تدافعی، که برای استحکام یخبشین به یک موضع ساخته می شود.

شیب خندق (Scarp): شیب یا دیواره داخلی خندقی که خاکریز دفاعی را در بر دارد.

بارو (Curtain): دیواری محصور کننده برای اتصال دو برج به یکدیگر.

جان پناه (Parapet): دیوار دفاعی یا حفاظتی از خاک یا سنگ؛ برای مصون ماندن سربازان از آتش دشمن.

نرده چوبی (Pale): تیر یا میخ چوبی نوک تیز.

کنگره (Battlement): جان پناهی یا تالوپ منظم که در ابتدا کارکردی دفاعی داشت و تزیینی شد.

الکتریسیته

بار الکتریکی (Electric charge): خاصیت ماهیتی ماده که عامل تمام پدیده های الکتریکی است.

جریان (Current): نرخ جریان بار الکتریکی در مدار بر واحد زمان که با آمپر سنجیده می شود.

پتانسیل (Potential): کار لازم برای انتقال بار واحد از نقطه ی مرجع به نقطه ای مشخص.

مدار (Circuit): مسیر کامل جریان الکتریکی، شامل منبع انرژی الکتریکی.

وسائیتی (Conductivity): مقیاس توانایی ماده برای عبور جریان الکتریکی؛ برابر با معکوس مقاومت مخصوص ماده.

تابلو برق (Switch board): یک یا چند صفحه مخصوص نصب کلید، وسایل اضافه جریان، ابزار های اندازه گیری و شیشه های کنترل و حفاظت چند مدار الکتریکی.

سیم پیچ (Coil): رسانایی که به صورت مارپیچ، پیچیده می شود تا در یک مدار اثر القایی ایجاد کند.

هسته (Core): آهن یا ماده آهن دار دیگر در یک آهن ربای الکتریکی، سیم پیچ القایی ویا ترانسفورماتور.

میله برق گیر (Lighting rod): هریک از چندین میله ی رسانای نصب شده در بالای یک ساختمان، که به زمین متصل است تا صاعقه را از ساختمان دور کند. به آن ترمینال هوایی هم گویند.

صاعقه گیر (Lighting arrester): وسیله ای برای حفاظت تجهیزات الکتریکی در مقابل صدمه های رعد و برق و یا جریان های با ولتاژ بالای دیگر.

حفاظ (Conduit): لوله یا کانالی برای پوشاندن و حفاظت کابل یا سیم های الکتریکی.

مجرای کابل رو (Raceway): مجرایی که برای نگهداری و حفاظت کابل ها و سیم های الکتریکی طراحی شده است.

هادی (Conductor): ماده، جسم یا وسیله ای که رسانای گرما، صوت یا الکتریسیته است.

عایق (Insulator): ماده ای که هادی ضعیف الکتریسیته است و برای مجزا نگه داشتن یا محافظت رساناها به کار می رود تا از جریان نامطلوب الکتریسیته جلوگیری کند.

سیم (Wire): یک رشته فلزی تحتان پذیر - ویا مجموعه ی تابیده و بافته ی چندین رشته ای - که اغلب با ماده ی دی الکتریک عایق شده و به عنوان هادی الکتریسیته به کار می رود.

جعبه تقسیم (Junction box): محفظه ای برای نگهداری یا حفاظت کابل ها یا سیم های برق؛ به عنوان نقطه ی بهم وصل شدن مدارهای الکتریکی متصل یا انشعابی.

کلید (Switch): وسیله ای برای برقراری، قطع یا هدایت جریان الکتریکی.

لوله خرطومی (Loom): لوله ای پلاستیکی برای عبور و محافظت سیم ها در ساختمان.



کابل (Cord): سیم کوچک، عایق و انتهای پذیر متصل به دو شاخ، برای وصل شدن لایه قابل حمل یا وسیله ای دیگر به پریز برق.

رایط (Connector): هر یک از وسایل مختلف وصل کننده ی دو رسانا یا بیشتر به هم؛ بدون چسباندن دانسی.

کلید دکمه ای (Toggle switch): کلیدی که در آن، اهرم یا دکمه ای که یک قوس کوچک را طی می کند، باعث می شود تماس ها، مدار الکتریکی را باز و بسته کند.

کلید تبدیل (3-way switch): یک کلید تک پل پرتابی دو وضعیتی، که همراه با دو کلید تبدیل دیگر، برای کنترل لایه ها از دو محل به کار می رود.

خروجی (Outlet): نقطه ی گرفتن و تامین جریان یک وسیله ی الکتریکی، در یک سیستم سیم کشی.

پریز (Socket- Receptacle): یک اتصال مادگی متصل به منبع برق که دوشاخ، در آن قرار می گیرد، به آن سوکت هم می گویند.

دوشاخ (Plug): یک اتصال نری برای وصل کردن الکتریسیته به مدار، از طریق داخل کردن آن در پریز.

اندود

اندود (Plaster): ترکیبی از گچ یا آهک، آب، ماسه و در برخی موارد مو یا سایر الیاف که با شکلی خمیری جهت سطوح دیوارها یا سقف ها و یا جالنی پلاستیکی به کار برده شده، اجازه داده می شود تا سخت و خشک شود. پلاستر و روکش، دیگر معادل های رایج آن است.

اندود آهک دار (Gauge plaster): نوعی اندود رویه در اندودکاری.

آهک شکفته (Slaked lime): آهکی که با آب ترکیب شده است.

آهک نشکفته (Quick lime): آهک زنده که به آن آب افزوده نشده است.

گچ آهک دار (Gauging plaster): نوعی اندود گچ که جهت ترکیب با خمیر آهک به صورت خاصی آسیاب شده و به منظور ایجاد یک ترکیب تدگیر یا کندگیر برای رویه ی یک اندود نسبت بندی شده است.

روکاری زیر (Hard finish): نوعی اندود رویه از خمیر آهک رنده و سیمان کین یا گچ آهک دار که از ماله کشی آن پرداختی صاف و متراکم حاصل می شود.

خمیر آهک (Lime putty): آهک رنده ای که توسط مقدار کافی آب، کشته می شود تا یک خمیر سفت ایجاد شود.

سیمان کین (Keen's cement): تنج تجارتی نوعی اندود سنگ گچ غیر متبلور سفید، ایجاد کننده ی پرداختی متراکم و مقاوم در برابر ترک خوردگی.

غیر متبلور (Anhydrous): ماده ای که کل آب تبلور خود را از دست داده است.

سفیدکاری نما (White coat): همان رویه سفید نما است.

اندود گچ روکار (Veneer plaster): نوعی اندود گچی آماده که به عنوان پرداخت بسیار نازک یک یا دو لایه ای بر روی لایه زیر نما به کار می رود.

کشته کشی (Skim coat): آخرین لایه اندود یا اندود نازک صاف و یک دست کشته در اندودکاری. می توان آنرا معادل اندود رویه دانست.

گرفتن گچ (Dress): سخت شدن اندود گچ در اثر از دست دادن آب.

لایه تخته ماله ای (Floating coat-Brown coat): لایه ای هموار کننده در اندودکاری که در اندود سه لایه ای دوم است.

سنگ گچ (Gypsum): نوعی کانی نرم مورد استفاده در تولید سیمان و گچ.

مرمر سفید (Alabaster): فرم ریزبافتی از سنگ گچ خالص که مصرف تزئینی دارد.

اندود آهکی (Lime plaster): مخلوطی از آهک، ماسه و گاهی الیاف که به عنوان لایه آستر به کار می رود.

اندود آستر (Base coat): هر نوع لایه اندودی که قبل از اندود رویه به کار رود.

اندود آماده مصرف (Ready-mixed plaster): نوعی اندودی یودری که با اضافه کردن آب قابل مصرف است.

اندود زبره (Spatter dash): نوعی مخلوط عیار بالای سیمان و ماسه که به عنوان زیرسطح اندود دیگر مورد استفاده قرار می گیرد به آن سیمان زنی هم گویند.

زبری (Key): حالت شیار شیار یا زبری که در یک سطح به منظور افزایش چسبندگی آن با سطح دیگر ایجاد می شود.

روکار سیمانی (Stucco): اندود سیمانی که به عنوان رویه مصرف می شود.

اندودزنی (Daubing): فرایند اعمال یک پرداخت ناهموار و زبر به دیوار یا پاشیدن اندود به روی آن و به آن پلاستر باشی یا سیمان زنی هم گویند.

توفال - زیرکوب (Lath): هر یک از انواع سطوح مناسب برای اعمال اندودکاری روی آنها؛ مانند ورق روکش گچی، رابیتس، توفال چوبی، سنگ یا آجر چینی.

رابیتس (Metal lath): نوعی زبراندود ساخته شده از فلز کشیده شده یا بافته ی سیمی که به منظور مقاومت در برابر خوردگی، رنگ آمیزی یا لایه کاری می شود معادل فارسی آن شبکه فازی است.

چسبندگی اندود (Plaster bond): چسبندگی اندود به زیرکار آن با امکانات شیمیایی یا مکانیکی.

چسب اندود (Bonding agent): ماده شیمیایی، که سطح یک زیرلایه ی مناسب برای چسبند بهتر به لایه ی بعدی را آن آغشته می شود.

شمشه (Screed): نوار چوبی، گچی یا فلزی مخصوص یک سطح آماده برای اندودکاری، که به عنوان راهنمایی برای ایجاد یک سطح صاف عمل می کند.

درز کنترل (Control joint): نوعی نوار فلزی شکل داده شده، که برای آزاد کردن تنش های سازه ای، حرارتی یا انقباضی در یک سطح بزرگ اندود شده ی سیمانی یا گچی، نصب می شود.

پتونه درز گیر (Joint compound): ترکیبی خمیری شکل مخصوص کار گذاشتن نوار درزگیر، پر کردن تورفتگی ها و پرداخت دررها در یک سطح گچی.

نوار درز گیر (Joint tape): نواری از کاغذ، کتان یا روکش کاغذی یا شبکه پلاستیکی، برای پوشاندن درز های بین پانل های گچی.

ورق پوشش (Wallboard): حرک از انواع مصالح ورقی برای پوشاندن یک سقف یا دیوار، به عنوان جایگزینی برای آلود یا پانل کاری.

تخته گچی (Gypsum board or Drywall or Plasterboard): نوعی مصالح ورقه ای یا یک هسته گچی و پوشش کاغذی در هر دو روی آن؛ قابل استفاده به عنوان توفال و یا برای پوشاندن دیوار ها. همان پانل گچی است.

انرژی خورشیدی

دیگرام مسیر خورشیدی (Solar path diagram): نمایش تصویری مسیر خورشید در گنبد آسمان، روی صفحه افقی.

انقلاب تابستانی (Summer solstice): زمانی که خورشید به شمالی ترین نقطه اش در آسمان می رسد و نشان دهنده شروع فصل تابستان در نیمکره شمالی است.

انقلاب زمستانی (Winter solstice): زمانی که خورشید به جنوبی ترین نقطه اش در آسمان می رسد و نشان دهنده شروع فصل زمستان در نیمکره شمالی است.

عرض جغرافیایی (Latitude): فاصله زاویه ای نقطه ای از سطح زمین بر حسب درجه نسبت به نصف النهار گذرنده از آن نقطه.

نصف النهار (Meridian): دایره ای بزرگ از سطح زمین که از هر دو قطب جغرافیایی می گذرد.

طول جغرافیایی (Longitude): فاصله ای زاویه ای در شرق یا غرب سطح زمین، که از نصف النهار مبدأ تا نصف النهار نقطه ای معلوم بر حسب درجه یا اختلاف زمانی دو محل بیان می شود.

ارتفاع (Altitude): ارتفاع زاویه ای یک جسم آسمانی نسبت به سطح افقی.

انرژی خورشیدی (Solar energy): انرژی حاصل از خورشید به صورت تابشی.

جهت گیری نسبت به خورشید (Solar orientation): موقعیت یک ساختمان نسبت به مسیر خورشید به طوری که میزان حرارت حاصل از تابش خورشید در طی سردترین ماه ها به حداکثر برسد و در طی گرم ترین ماه ها به حداقل.

دیوار گردآورنده انرژی خورشیدی (Drum wall): ایزل یا سیستمی برای استفاده از تابش خورشید، در گرمایی به جذب کننده ای که واسطه (محیط) حامل- مانند هوا یا آب- در گردش خود در آن عبور داده می شود به آن گردآور هم می گویند.

صفحه کرکره ای (Shutter panel): سایبان کرکره ای برای محافظت داخل ساختمان در برابر تابش و نور خورشید نصب شده در بیرون با کنترل دستی یا الکتریکی.

اتاق آفتابگیر (Solarium): اتاق یا ایوان شیشه ای با موقعیتی که عمده نور خورشید را به درون فضای خود عبور می دهد به آن ایوان خورشیدی و یا نشیمن خورشیدی هم می گویند.

محوطه آفتابگیر (Sun deck): بام یا ایوانی واقع در معرض نور خورشید برای حمام آفتاب.

سایبان (Sunshade): وسایل مختلف بیرونی شامل پرده های ثابت زاویه دار افقی یا عمودی جهت جلوگیری از تابش مستقیم نور خورشید.

صفحه محافظ (Solar screen): صفحه ای یا کرکره های کوچک بیرونی برای سایه اندازی روی پنجره، محافظت در مقابل نور و تابش خیره کننده خورشید- و در عین حال- ارایه دید خوب به بیرون، بهره مندی از روشنایی روز، تهویه، حریمت و جلوگیری از ورود حشرات.

بار

بار (Load): هر یک از نیروها که به یک سازه وارد می شود.

بار نشست (Settlement load): نیروی وارد بر سازه، در اثر نشست قسمتی از خاک زیر پی، و در نتیجه نشست ناممکن پی آن سازه

بار ضربه ای (Impact load): یاری که یکباره بر سازه وارد می شود مانند بار زلزله

بار کاربر (Occupancy load): بار زنده یک سازه ناشی از وزن افراد، تجهیزات، کالاهای انبار شده و موارد مشابه در یک ساختمان.

مهار تمسب (Erection bracing): مهارهای موقتی لازم جهت مهار اعضای یک ساختمان تا هنگام محکم شدن در محل خود به طور دائمی.

بار جانبی (Lateral load): بار وارذ بر یک سازه به طور افقی، مانند بار باد یا زلزله.

گسل (Fault): تری در پوسته زمین ناشی از جابجایی شدگی در صفحه ی گسیختگی.

ارتعاش (Vibration): حرکت تومانی، متناوب یا هر نوع حرکت دوره ای دیگر نسبت به یک حالت تادل در جسمی ارتجاعی یا نیمه ارتجاعی.

میرایی صوت (Damping): اتلاف یا جذب انرژی در امواج یا تومانی های یک سازه ی مرتشی که نه حگور مستمر کاهش می یابد.

تغییر مکان جانبی (Drift): تغییر مکان یا جابجایی یک سازه در اثر باد، زلزله یا بارگذاری قائم نامتوازن.

تشدید (Resonance): ارتعاشی بزرگ و نامنظم در یک سیستم در اثر یک نیروی ارتعاشی نسبتاً کوچک با دوره ای مساوی یا تقریباً مساوی با دوره ی طبیعی ارتعاشی سیستم.

نیروی زلزله (Seismic force): هرگونه نیروی ناشی از حرکات ارتعاشی زمین هنگام زلزله. هر چند این حرکات به طور طبیعی سه بعدی هستند، مولهه ی افقی آنها یک عامل مهم در طراحی سازه محسوب می شود با این توضیح که اعضای متحمل بارهای قائم، به حد کافی ظرفیت برای تحمل بارهای قائم اضافی دارند هنگام یک زلزله. جرم سازه برای تحمل شتاب زمین یک نیروی اینرسی ایجاد می کند که طبق قانون دوم نیوتن مساوی با حاصل ضرب شتاب در جرم است. برای ایستایی سازه (برش پایه) طبق روابط محاسبه می شود.

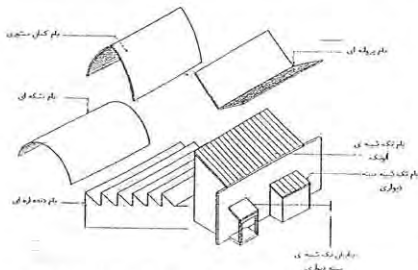
برش طبقه (Story shear): کل برش موجود در هر صفحه افقی (مقطع افقی) یک سازه که در مقابل بارهای جانبی مقاومت می کند و بین اجزای مقاوم جانبی سازه- براساس نسبت سختی آنها- تقسیم می شود. برش طبقه به صورت تجمعی است و از حداقل مقدار خود در بالای ساختمان بیشترین مقدار خود در پایه ی سازه افزایش می یابد.

پیچش افقی (Horizontal torsion): پیچش ناشی از نیروهای جانبی به علت عدم تطابق مرکز سختی سازه بر مرکز جرم آن، برای جلوگیری از آثار مخرب پیچشی، سازه های تحت اثر بار جانبی باید به صورت منظم و متقارن سازماندهی و مهاربندی شوند و تا حد امکان مرکز جرم و سختی شان بر هم منطبق باشد. در طرح های نامتوازن، توزیع مهارها باید براساس سختی مطابق با توزیع جرم باشد.

لنگر مقاوم (Restoring moment): نوعی لنگر یا عمل کنندگی حول همان محوری که لنگر وارگونی محاسبه می شود معمولاً طبق آیین نامه های ساختمانی لازم است لنگر مقاوم حداقل ۵۰ درصد بیشتر از لنگر وارگونی باشد. به آن لنگر قائم و لنگر تادل هم گفته می شود.

بام، یک مستوری انجام می شود.

مستوری یا شیروانی (Gable): بخش مثلثی یک دیوار که انتهای یک بام شیبدار از قرنیز یا رخیام تا کاکل بام را، می بندد.



بام چند یر (Hip roof): بامی با بره های انتهایی شیب دار (برخلاف بام مستوری) و پهلوهای که یکدیگر را در کج های برجسته و اریب قطع می کنند شیروانی چند کله و یک بام چند کله، دیگر معادل های آن است.

بام چند شیبه کمر شکن (Curb roof): بامی

که در هر پهلو کاکل (تیزه ی) خود به دو یا چند سطح شیبدار تقسیم می شود مانند بام دو شیب پله ای یا بام چهار ترک کمر شکن. (نام دیگر آن بام چند شیب پله ای می باشد.)

بام ۴ ترک کمر شکن (Mansard): بامی که با یک قسمت تند شیب تر پائینی و یک قسمت کم شیب تم فوقانی، در هر وجه خود همان بام چهار ترک پله ای است. بامی که در هر وجه خود دارای یک قسمت شیبدار پائینی و یک قسمت کم شیب تر فوقانی می باشد.

بام پروانه ای (Butterfly roof): بامی با دو بختی تیب دار که هر کدام از رخیام (تا قسمتی میانی بام) به طرف پایین شیبدار است.

بام تک شیبه آلوتک (Shed roof): بامی با یک شیب ساده.

بام تک شیبه سینه دیواری (Lean-to): نوعی بام تک شیبه که قسمت بالاتر آن به یک دیوار یا ساختمان بزرگتر، برخورد می کند.

سایه بان سینه دیواری (Penthouse- Pentice- Pent -Apprentice): بام تک شیبی ی بیرون آمده از یک دیوار یا وجهی از یک ساختمان، به منظور ایفای نقش حفاظ برای یک در. {همان تاق بند تک شیبی ی سینه دیواری است}

شیب بام (Pitch): شیب یک بام که عموماً به صورت «خیز قائم برحسب اینج» بر «گام افقی برحسب فوت» بیان می شود

خیز بام (Rise): اختلاف ارتفاع بین رخیام و کاکل یک بام شیدار. {همان چست است}.

گام بام (Run): فاصله افقی از رخیام تا کاکل یک بام شیدار.

بام هرمی - کلاه فرنگی (Pavilion roof): بام چند بر دمی شکل. {بام کلاه فرنگی، معادل دیگر آن است}.

بام دو شیب سر یتخ (Hipped roof): بامی با یک انتهای یتخ دار: که {دران} سر یک ستوری برداشته شده است.

بام دو شیب پله ای (Gambrel roof): بامی کاکل دار که در هر وجه خود به یک بخش کم شیب تر روی یک بخشی تند شیب تر تقسیم شده است.

تیزی بین شیب (Curb): تیزی بین یک شیب فوقانی و یک شیب تحتانی که در یک بام دو شیب یا چهار ترک پله ای.

بام کمان ستوری (Rainbow roof): نوعی بام دو شیبی به صورت یک قوس پهن گوتیک، با سطوح محدب دارای انحنا می ملایم.

بام بشکه ای (Barrel roof): بام یا سقفی به فرم یک نیم استوانه. {همان بام گهواره ای دایروی است}

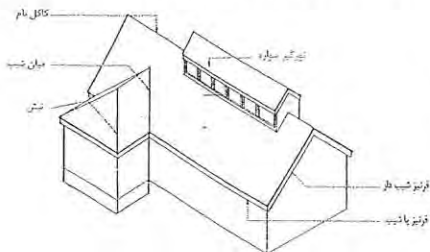
بام دنده اره ای (Saw tooth roof): بام متشکل از مجموعه ای از بام های کوچک و موازی با سطح مقطع مثلثی، که به دلیل شیشه کاری شدن در طرف تندتر شیب ، معمولاً نامتقارن است. {همان بام وارپخته ی کمر شکن است}

www.MEMARICO.com

نورگیر بام (Skylight): یک گنبدی در بام یا سقف که به منظور ورود نور در روز، با مصالح شفاف یا مات شیشه

کاری شده

است.



قرنیز شیب

دار (Rake):

لبه ی ارب و

معمولاً بیرون

آمده ی یک

بام تیدار.

قرنیز پای

شیب

(Eaves): لبه ی پایینی و آویزان یک بام، همان قرنیز است؛ ولی در اینجا بیشتر قرنیز بام های شیب دار، مراد

است.

کاتل بام (Ridge): خطی افقی به عنوان محل تلاقی دو صفحه ی شیب دار یک بام در قسمت فوقانی، (استیج،

تارک و تیزه ی باسلفه مادل های دیگر آن است.)

نورگیر سواره (Monitor): ساختمانی بر چسبه یا پنجره یا کرکره هایی برای نورگیری یا تهویه یک ساختمان، که به

صورت سواره ای بر کاتل بام ساختمان { به عنوان زین } قرار گرفته است

آبرو بام (Gutter-eaves trough): مجرای فلزی یا چوبی در محل ریخام یا روی بام یا ساختمان، برای انتقال

آب باران.

سگ دست (Bracket): تکیه گاهی مخصوص تحمل وزن یک طره یا تقویت یک کنج، که به صورت افقی از یک

دیوار بیرون آمده است. { به آن دستک یا لچکی هم گویند }

عصای (King post): عضوی قائم از راس تا تخت پایینی یک خرابی شیب دار.

لایه (Purlin): عضوی طولی در قاب بندی بام، واقع در فاصله ی بین رخام تا کاتل، مخصوص تحمل شیب تیرهای

معمولی. { که به آن تیز زیر خواب هم می گویند. }

شاغولی (Plumb): {انچه} از لخته راسته عمودی یا قائم {است}

تیر ریژی بام (Roof framing): عمل، فرایند یا حالت اجرای قاب بندی سازه ای یک بام.

پوشش بام (Shingle): قلمه ای کم ضخامت و مربع مستطیل از چوب، مصالح قیری، سنگ لوح، فلز یا بتن، که برای پوشش بام یا دیوارهای یک ساختمان، در ردیف های هم پوشان کار گذاشته می شود.

پوشش بام (Roofing): هر یک از انواع مختلف مصالح شتاب- مانند لوح های پوشش، سنگ لوح ها یا خشت های بام پوش- که برای جاری ساختن یا دفع آب باران بام، روی آن کار گذاشته می شوند.

ابجکان بام (Drip edge): ابزار فلزی کار گذاشته در امتداد رخام یا لبه های قریز ستوری یک بام شیب دار؛ به منظور ایجاد اسکان چکیدن آب باران، بدون اینکه از مسیر اولیه ی تاوان عبور کند.

تخته کوبی بام (Sheathing): تخته ها یا پانل های سازه ای نظیر تخته چند لایه که به عنوان اساسی برای روکش ها یا بام پوش ها به قاب یک دیوار یا بام متصل می شوند.

لایه عایق بند (Underlayment): مصالح آب و هوا بندی- نظیر گونی عایق بندی- مخصوص پوشش و محافظت پشت بام، قبل از اجرای لوح های پوشش.

لب بند بام (Fascia): هر سطح افقی تخت و پهن، مانند لبه ی خارجی یکد قریز یا یک بام.

سفال بام (Roofing tile): هر یک از انواع مختلف کاشی های رسی یا بتنی مخصوص پوشش بام.

سفال زمبته (Field tile): سفال های پوشاننده محدوده ی اصلی بام.

سفال لبه (Hip tile): سفالی محدب، برای پوشاندن تیش های (hip) یک بام.

آب پوش رواتکار (Fluid-applied roofing): پوششی پیوسته برای بام های یا هندسه ی پیچیده؛ مشکل از یک ماده الاستومری مانند تنوپرن، هیپالون، یا لاستیک بوتیل، که با یک افشانک یا غلتک، در لایه های چند گانه اعمال و عمل آوری می شود تا یک غشای پیوسته ایجاد شود.

قیر گونی (Build up roofing): پوششی پیوسته برای بام های تخت یا کم شیب؛ مشکل از لایه های متوالی گونی و قیر داغ که با یک صفحه ی رویی از شن یا سرباره ها در یک لایه ی سنگین آغشته به قیر، پوشیده شده است.

قیر (Bitumen): هر یک از ترکیبات مختلف هیدروکربنی یافت شده بصورت طبیعی یا حاصل از تقطیر زغال سنگ یا نفت خام- مانند قیر نفتی یا قطران- مورد استفاده برای پوشاندن سطح جاده ها باید- قبل از به کارگیری- در یک ماده ی خالص حل یا امولسیونه شده، و یا تا رسیدن به حالت مایع، حرارت داده شوند.

قیر نفتی (Asphalt): ترکیب سیاه مایل به قهوه ای از قیرهای به دست آمده از نهشته های طبیعی یا از محصولات نفت خام، مورد استفاده در کفسازی، آب بندی و بام پوشی.

قطران (Coal tar): مایع سیاه و گران روی (viscous) به دست آمده در خلال تقطیر زغال سنگ، مورد استفاده در رنگ ها، آب بندی و بام پوشی.

لایه سایشی (Wear-course): لایه ای شنی، که به عنوان محافظی برای یک غشای بام پوش - در برابر مایش های مکانیکی و نیروهای بلند کننده ی باد می باشد.

بتن

بتن (Concrete): مجموعه مصالح ساختمانی غیر طبیعی شبیه به سنگ حاصل از اختلاط سیمان و دانه های سنگی، معینی مختلف با مقدار آب کافی و در نتیجه ایجاد گیرش در سیمان و پیوستگی در کل مخلوط.

سیمان (Cement): یک ترکیب کلسیمی از خاک رس و سنگ آهک پودر شده (به صورت بسیار ریز) که به عنوان یک جزء اصلی در «ساخت» ملات و بتن به کار می رود، این کلمه، اغلب اشتباهاً برای بتن به کار می رود.

سیمان متوسط-نوع ۲ (Moderate): نوعی سیمان پرتلند حاوی درصد کمتری از C_3S و در نتیجه مقاومت بیشتری آن در مقابل حمله ی سولفات ها و تولید کمتر حرارت هیدراسیون. کاربرد آن در ساختمان سازی های عمومی یا مشخصه ی حمله ی متناوب - ونه چندان شدید- سولفات ها و زیان مندی احتمالی حرارت زیاد برای آن؛ مثلاً در ساخت ستون های بزرگ و دیوارهای خایل سنگین. «سیمان تیپ ۲»

سیمان زودگیر-نوع ۳ (High early strength): نوع سیمان پرتلند یا دانه های بسیار ریز حاوی درصد بیشتری از C_3S و در نتیجه عمل آمدن و کسب مقاومت سریع تر آن، در مقایسه با سیمان معمولی (نوع اول). کاربرد آن در موارد نیاز به باز کردن سریع قالب ها و یا ساختمان سازی در آب و هوای سرد جهت کاهش زمان عمل آوری. «سیمان تیپ ۳»

سیمان کندگیر-نوع ۴ (Low heat): نوعی سیمان پرتلند دارای درصد C_3S کمتر و C_2S بیشتر و در نتیجه تولید کمتر حرارت کاربرد آن در اجرای سازه های با حجم بتن زیاد؛ مثلاً در سدهای وزنی که بالا رفتن بیش از حد حرارت، ممکن است مخرب باشد. {سیمان قیپ ۴}

خاکستر آتشفشانی (Fly ash): ذرات ریز خاکستر حاصل از گازهای زائد کوره های یا سوخت جامد.

خمیر سیمان (Cement paste): ترکیبی از سیمان و آب؛ مخصوص پوشاندن، گیرش و چسباندن سنگدانه های موجود در اختلاط بتن یا ملات، به هم.

سنگدانه (Aggregate): هر یک از انواع گوناگون مواد معدنی سخت و خشن (از لحاظ شیمیایی) مانند شن و ماسه که جهت ساخت بتن یا ملات به خمیر سیمان افزوده می شوند. خواص این دانه ها- به دلیل دربرداشتن حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از حجم بتن- تاثیر مهمی بر مقاومت، وزن و مقاومت بتن سخت شده بر برابر آتش سوزی، دارد. سنگ دانه ها باید سخته، بدون رس، سیلت و هر نوع ماده ی آلی باشند که از چسباندن شدن آنها به هم توسط چسب سیمان، جلوگیری می کند، گو اینکه از لحاظ ابعاد هم باید مناسب باشند.

ماسه (Fine aggregate): دانه ی سنگی، شامل دانه های ماسه یی کوچکتر از $\frac{1}{4}$ اینچ (۶/۴ میلی متر) و یا در حالت خاص تر، پختی از سنگ دانه ها که از الک $\frac{3}{8}$ اینچ (۹/۵ میلی متر) عبور کرده و تقریباً تمام آنها از الک شماره ی ۴ (۴/۸ میلی متر) گذشته و روی الک شماره ی ۲۰۰ باقی می ماند. {براساس سیستم رده بندی متحد، اصطلاحاً به این دانه ها ماسه می گویند.}

شن (Coarse aggregate): دانه های سنگی، شامل سنگ شکسته، شن یا سرباره ی کوره ی آهن گدازی، یا دانه های بزرگتر از $\frac{1}{4}$ اینچ (۶/۴ میلی متر) و یا در حالت خاص تر، پختی از سنگ دانه های که روی الک شماره ی ۴ (۴/۸ میلی متر) باقی می ماند. حداکثر اندازه سنگ دانه های درشت در بتن آرمه، اندازه و ابعاد مقاطع و فاصله ی آرماتورها، محدود می شود. {براساس سیستم رده بندی متحد اصطلاحاً به این دانه ها شن می گویند.}

تورق (Exfoliation): شکاف خوردن یا لایس (پاد کردن) ناشی از داغ شدن برخی سنگ های معدنی، و تبدیل آنها به سنگ های ورقه ورقه ای.

افزونه (Admixture): هرگونه ماده ی افزوده به ملات یا بتن- جز سیمان، آب یا سنگدانه- به منظور تغییر خواص آن یا تغییر خواص محصول سخت شده ی آن، (به آن ماده ی افزودنی هم می گویند.)

هواساز (Air-entraining): نوعی ماده افزودنی پراکنده ی ذرات هوا در بتن یا ملات؛ به منظور افزایش کارایی و بهبود مقاومت محصول عمل آمده در مقابل ترک خوردگی ناشی از چرخه های یخ زن، خوب شدن یا تورق توسط مواد شیمیایی؛ و در مقادیر بزرگتر به منظور تولید عایق های حرارتی سبک بتنی.

تسریع کننده (Accelerator): نوعی ماده ی افزودنی، مخصوص تسریع عمل گیرش و مقاومت پذیری بتن، ملات یا پلاستر.

کندگیر کننده (Retarder): نوعی ماده ی افزودنی به اختلاط بتن، ملات یا پلاستر، جهت فراهم آوردن زمان بیشتر برای کار با آنها.

روانی بتن (Consistency): کمیتی نسبی برای تعیین روانی بتن (از طریق آزمایش اسلامپ) و دوغاب و ملات (توسط آزمایش flow) این کمیت، به نسبت خمیر سیمان به سنگ دانه های موجود در مخلوط بستگی شدید و عمده ای دارد. (سفتی نیز معادل دیگری برای این کلمه است)

کارایی بتن (Workability): کمیتی نسبی برای بیان سهولت کارکردن با بتن یا ملات، ریختن آنها در قالب، خراکم کردن و جاذب کردن آنها. تا حدودی به $\frac{w}{c}$ و چگونگی دانه بندی سنگ دانه های مخلوط بستگی دارد.

یوک (Yoke): گیره ای مخصوص تکه داشتن قالب ستون یا قسمت بالایی قالب های دیوار، به منظور جلوگیری از در رفتگی ناشی از فشار هیدرولیکی بتن تازه. (همان یوغ در زبان فارسی است.)

خوک (Chair): وسیله ای (حاصل خم کردن (ارماتور) برای تکه داشتن آرماتوربندی انجام شده سرجای خود قبل و حتی بتن ریزی.

ضخامت لایه (Lift): ضخامت آن مقدار بتن ریخته شده در قالب طی یک مرحله.

گوه (Wedge): هر نوع وسیله شیب دار جهت محکم کردن قالب و انتقال نیرو از بست های قالب به پشت بندها.

فاصله نگهدار (Spreader): نوع مهار عموماً چوبی مخصوص جدا تکه داشتن و حفظ فاصله بین قالب های دیوار و یا شالوده (که قالب بندی دو طرفه دارند).

پشت بند افقی (Ranger-Breast timber-Wale): نوعی تیر چوبی یا فولادی افقی، مخصوص تقویت و محکم کردن انواع مختلف اعضای قائم (مثلاً در قالب یا پرده سیرها) و یا جهت تکه داشتن خاک در لایه ی یک خاکریز. در اجرا به آن تراورس می گویند.

پشت بند قائم (Stiff back-Strong back): نوعی تقویت قائم، برای تنظیم و محکم کردن پشت بندهای افقی.

قالب بندی (Framework): نوعی سازه ی موقتی جهت داشتن بتن تازه شامل قالب ها و تمام اعضای تقویتی، مهارتی و امن آلات دیگر.

قالب (Frame): تخته یا صفحاتی از چوب، فلز، پلاستیک یا قابیرگلاس، مخصوص نگه داشتن و شکل دهی مطلوب به بتن تازه ریخته شده تا زمان گیرش و کسب مقاومت تا آنجا که بتواند خودش را نگه دارد.

بتن درجا (Cost-in-place concrete): بتنی که در محل نهایی خود به عنوان قسمتی از یک ساختمان ساخته، ریخته، عمل آوری شده و سخت می شود.

جا انداختن بتن (Placement): فرایند ریختن و متراکم کردن بتن ساخته شده، در یک قالب یا در محل نهایی سخت شدن آن.

متراکم کردن بتن (Consolidation): فرایند حذف حفرات و خلل موجود در بتن تازه ریخته شده (غیر از هواهایی که به طور عمدی وارد شده است) و تقسیم تماس دقیق و کامل بتن با سطوح قالب و آرماتورگذاری موجود.

پیل زنی (Spading): متراکم کردن بتن تازه ریخته شده، از طریق داخل و خارج کردن مکرر یک وسیله ی تخت، پیل مانند در بتن.

میل زنی (Roding): متراکم کردن بتن تازه ریخته شده، از طریق داخل و خارج کردن مکرر یک میل در بتن.

دامپر (Buggy): نوعی چرخ دستی (اغلب موتوری) مخصوص حمل مصالح سنگین مانند بتن تازه ساخت، برای فواصل کوتاه در سایت ساختمانی. (در حالت غیر موتوری به فرغون یا چرخ دستی نیز اطلاق می گردد.)

کامیون همزنی (Agitator truck): نوعی کامیون مجهز به یک محفظه چرخان به منظور جلوگیری از پدیده ی چلایی دانه ها یا افت خاصیت خمیری بتن تازه ساخت که به یک سایت ساختمانی تحویل داده شده است.

بتن پاشی (Gunite-shotcrete): نوعی بتن سبک حاصل از ترکیب سیمان، ماسه - یا سربار آسیاب شده - و آب، که از طریق یک لوله پمپ شده و با سرعت زیاد بر سطح آماورندگی شده پاشیده می شود تا موقعی که به ضخامت مورد نظر برسد. (شات گریت معادل پیسار رایجی برای این مدخل می باشد.)

بیش از ۳۰۰ کتاب و جزوه معماری

www.Shop.Farsicad.Com

ارشد کلیه رشته های معماری

فروشگاه معماری ایرانیان

مجموعه سؤالات ارشد معماری
به همراه پاسخنامه
سال ۸۵ تا ۹۵

۱۳۹۷/۰۷/۱۳